

# اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۳/۲۳

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۵/۲۱

\* محمدحسین حیدری

\*\* کمال نصرتی هشی

\*\*\* محمد نریمانی

## چکیده:

هدف این نوشتار، بازشناسی اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام است. در این راستا، با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش تحلیلی - استنتاجی، به اجمال پس از بازبینی منابع قابل دسترس، شماری از اصول تربیت را بر اساس مبانی نظام ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام استنباط و معرفی کرده است. یافته‌های حاصل از این تحقیق، حول مبانی تربیت شهروندی، از این قرار است: توحیدمحوری، عدالت‌محوری، آزادی، عقلانیت، احترام به کرامت انسان، تعاون و برادری و شور و مشورت. با در نظر داشتن مبانی ذکر شده، می‌توان اصل خدامحوری، اصل توجه به حاکمیت قانون و قانونمداری، اصل رعایت حقوق شهروندی، اصل حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، اصل لزوم کمک به فراگیران برای رسیدن به استقلال شخصیت، اصل ضرورت احترام به اختیار و آزادی دانش‌آموزان، اصل ضرورت افزایش توانایی مهارت‌های تفکر به شهروندان، اصل ضرورت آگاه ساختن دانش‌آموزان به ارزش وجودی خود، اصل تقویت روح همگرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اصل توجه به تقویت مشارکت شهروندان را در جریان تربیت مورد توجه قرار داد.

**واژگان کلیدی:** تربیت شهروندی، مبانی تربیت، اصول تربیت.

\* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. Email: mhheidari1353@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان. Email: kamalnosrati1367@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان.

تربیت شهروندی از زمینه‌هایی است که در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و دامنه مباحث و پژوهش‌های آن به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است (فتحی و اجارگه، ۱۳۸۱). در دایره‌المعارف فلسفه تعلیم و تربیت آمده است: «تربیت شهروندی به آموزش‌هایی گفته می‌شود که به توسعه شهروندی یا توانمندی‌های شهری مربوط بوده، اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص قابل فهم است» (چامبلیس، ۱۹۹۶). در تعریف دیگری آمده است: «تربیت شهروندی به مقررات صریح جوامع جهت تلقین ارزش‌های مدنی از طریق تعلیم و تربیت رسمی اشاره دارد» (همان). باقری تربیت شهروندی را آماده کردن جوانان برای حیات سیاسی و همچنین تربیت افراد جامعه می‌داند؛ به نحوی که بتوانند در شکل‌گیری یا برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت‌ها در جامعه نقش بازی کنند (باقری، ۱۳۷۹). تربیت شهروندی را می‌توان شبکه‌ای از فرایندهای به هم مرتبط دانست که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به پرورش اعضای جامعه می‌پردازد و هدف این تربیت، حفظ روحیه مردم‌سالاری است. (علم‌الهدی، ۱۳۷۹) طی سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در گوشه و کنار جهان، توجه زیادی به آموزش شهروندی نشان داده و اقدامات اصلاحی زیادی را در این باب انجام داده‌اند. این اقدامات شامل ارائه موضوعات درسی جدید، از جمله: آموزش مدنی<sup>۱</sup>، آموزش دموکراتیک<sup>۲</sup>، آموزش ملی و آموزش سیاسی، همچنین انجام اصلاحات در برنامه‌های درسی موجود می‌شوند (جانسون و مورس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). امروزه متولیان تعلیم و تربیت جوامع برآنند تا از طریق تربیت شهروندی، دانش و مهارت ایفای نقش مؤثر در جامعه محلی، ملی و حتی جهانی را به دانش‌آموزان بیاموزند تا آنها ضمن اطلاع از حقوق متقابل خود و جامعه، شهروندانی مسئولیت‌پذیر و متفکر باشند (لاوتون، کی‌رنز و گاردنر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). در این راستا، کیملیکا<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) اذعان می‌کند که شهروندی، مفهومی چند بُعدی است که از عناصر عمده آن می‌توان به هویت ملی، تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فرامیهنی، مشارکت مدنی و سیاسی و نظام

1. Chambliss.
2. Civic Education.
3. Democratic Education.
4. Johnson & Morris.
5. Lawton, Cairns & Gardner.
6. Kymileka.





مؤثر حقوقی اشاره کرد. و اما «تربیت مدنی اسلامی» تربیتی است که در راستای رسیدن به سعادت و کمال مادی و معنوی و تحقق جامعه توحیدی (امت)، به پرورش افراد جامعه می‌پردازد. نگاهی گذرا به فرهنگ غنی اسلام نشان می‌دهد که جوامع اسلامی از حیث نظری و عملی، قابلیت ایجاد جامعه مدنی مبتنی بر تعالیم تربیتی اسلامی را دارند. دین اسلام به ابعاد مختلف حیات اجتماعی و روابط انسان‌ها توجه فراوان داشته، آموزه‌های متعددی برای بهبود الگوی زندگی در جامعه اسلامی ارائه کرده است؛ از جمله: حذف برتری نژادی و عشیره‌ای و قبول تقوا به عنوان ملاک برتری در روابط اجتماعی (حجرات: ۱۳)، رعایت عدالت به عنوان یکی از آرمان‌های جامعه اسلامی (حدید: ۱۳)، اصل کرامت و احترام به حقوق شهروندی (اسرا: ۷۰) و احسان به عنوان الگوی نوع دوستی (نحل: ۹۰)، استثمارستیزی و استبدادگریزی به منظور حذف موانع رشد فرهنگ شهروندی (زخرف/ ۵۴) و تسامح و تساهل به منظور محترم شمردن آرای دیگران (توبه: ۶۱). متفکران و فیلسوفان مسلمان نیز با الهام از تعالیم دینی، به شرح و تفصیل شهر مطلوب و تربیت شهروند پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به: فارابی (۱۳۷۱)، ابن سینا (۱۳۴۸)، طوسی (۱۳۶۰) و ابن خلدون (۱۳۷۵) اشاره کرد.

با نگاهی اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور می‌توان گفت، در جامعه ایران به طور اعم و در نظام تعلیم و تربیت به طور اخص، آن طور که باید و شاید مبحث تربیت شهروندی با رویکرد اسلامی، از دید متولیان تعلیم و تربیت مورد توجه قرار نگرفته است. اما در برهه حساس کنونی که تعالیم اسلامی مبنای فکری، مدیریتی و تربیتی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، زمان آن رسیده که آموزه‌های اسلامی نقش پررنگ‌تری در مبنای تربیت اجتماعی جامعه، به ویژه زیرشاخه مهم آن؛ یعنی تربیت شهروندی داشته باشند. شایسته است که متولیان امر تعلیم و تربیت، با بررسی مبنای تربیت شهروندی بر پایه آموزه‌های اسلامی به تربیت افراد متناسب با این نوع جامعه بپردازند. بنابر این، با توجه به اهمیت مسئله و لزوم توجه به تربیت شهروندان با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، هدف از این مطالعه، معرفی تعدادی از اصول تربیت بر اساس مبنای نظام ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است تا با دستیابی به نتایج تحقیق، بتوان گام کوچکی در نهادینه شدن تربیت شهروندان با توجه به آموزه‌های اسلامی برداشت.

## پیشینه تحقیق

در راستای تربیت شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی، تحقیقات جامع و زیادی صورت نگرفته؛ اما در زمینه ویژگی‌ها و خصیصه‌های مورد نیاز شهروند، مطالعات متعددی انجام شده که از جمله آنها مطالعه براون<sup>۱</sup> در کانادا، لی<sup>۲</sup> در آسیا و پریور<sup>۳</sup> در استرالیا است.

بر اساس مطالعه پریور در کشور استرالیا، ویژگی‌های ذیل برای شهروند مطلوب در جامعه استرالیا لازم دانسته شده است: ۱. ویژگی‌های مرتبط با درک و فهم مدنی؛ شامل آگاهی از رویدادهای جاری جامعه و جهان و آگاهی از عملکرد دولت. ۲. ویژگی‌های مرتبط با جنبه‌های مشارکتی- عملی؛ شامل ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، توانایی بررسی ایده‌های گوناگون، توانایی اتخاذ تصمیم‌های معقولانه و مشارکت در مسائل مدرسه یا جامعه محلی. ۳. ویژگی‌های مرتبط با دل‌مشغولی اجتماعی؛ شامل علاقه و نگرانی نسبت به رفاه و آسایش دیگران، رفتارهای اخلاقی و پذیرش تنوع. (نیکنامی و مدانلو، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

پژوهش دیگری که در کشور کانادا به وسیله سیرز و وون<sup>۴</sup> انجام شده، ویژگی‌های ذیل را برای شهروند مطلوب خاطرنشان کرده است: ۱. توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها (از کتابخانه، اینترنت، جلسه‌های عمومی) و بیان ایده‌ها. ۲. اطمینان و جرئت برای فراکنشی عمل کردن، داشتن باورهای مستقل، مسئولیت‌پذیری و استقلال (مالی، سیاسی، فردی و...). ۳. دانش دربارهٔ اموری چون: چگونگی سازمان یافتن جامعه، شیوه عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور و ایدئولوژی و فلسفه سیاسی. (سیرز و وون، ۲۰۰۵)

در پژوهش دیگری، پریور نتیجه می‌گیرد که: نوجوانان استرالیایی قدر دموکراسی را می‌دانند، اما سطح درک آنها از مدنیت و شهروندی، کمتر از حد انتظار در این زمینه است. با وجود اینکه دانش‌آموزان استرالیایی برنامه درسی مکتوبی در رابطه با شهروندی

1. Brown
2. Lee.
3. Prior.
4. Sears & Vonne.





دارند، اما ۳۹ درصد آن‌ها با رویدادها و نمادهای ملی آشنا نیستند. دانش‌آموزانی هم که تحت تأثیر برنامه‌های درسی و خانواده، مفاهیم اساسی اجتماعی و سیاسی را آموخته‌اند، یا قلباً به آن باور ندارند یا در عملشان چنین رفتاری بروز نمی‌کند. (پرپر، ۲۰۰۶)

در پژوهشی که پورتا و همکارانش (۲۰۰۱) روی ۲۸ کشور انجام دادند، دانش و نگرش دانش‌آموزان ۱۴ ساله را در رابطه با ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تربیت شهروندی مورد بررسی قرار داد. نتایج بیانگر این بود که بین آگاهی و دانش شهروندی افراد ۱۴ ساله کشورهای مورد مطالعه، تفاوت چندانی وجود ندارد؛ اما در مورد نگرش‌ها، دامنه تغییرات بین کشورها بیشتر بوده است. براینده مطالعه پورتا و همکارانش این است که به همان اندازه که آموزش ریاضی و علوم از اهمیت شایان توجه برخوردار است، کشورها بایستی در جهت اعتلای آموزش شهروندی نیز تلاش کنند. (ایزدی و آقامحمدی، ۱۳۸۶)

باقری (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران»، طی بحثی در باره تربیت مدنی به عنوان یکی از فروع بحث جامعه مدنی، معتقد است جوهره اساسی مفهوم جامعه مدنی را باید در برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت جستجو کرد؛ چنان که جوهره اساسی مفهوم تربیت مدنی نیز در فراهم آوردن قابلیت‌هایی در افراد برای ایفای نقش در برقراری این توازن جلوه‌گر می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد که با توجه به توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت از جهت فرهنگ دینی ما، انجام تربیت مدنی در جامعه دینی ما ممکن محسوب می‌شود.

علم‌الهدی (۱۳۷۹) در اثری با عنوان «چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام» نتیجه می‌گیرد که: اولاً، تربیت مدنی در حیطه و مجموعه تربیت دینی قرار می‌گیرد؛ ثانیاً، دین نه عنصر حاشیه‌ای، بلکه متن و اساس همه مؤلفه‌های مدنیت را پوشش می‌دهد.

تهرانی‌دوست (۱۳۸۳)؛ در مجموعه پژوهش‌های خود، به مفاهیم تعدادی از مؤلفه‌های تربیت شهروند اسلامی اشاره و رعایت حقوق بشر را به عنوان مؤلفه‌های کرامت و عدالت، از آیات و قرآن و دستورات نهج‌البلاغه استخراج کرده، نتیجه می‌گیرد که فرامین مندرج در نهج‌البلاغه، به عنوان بهترین اعلامیه حقوق بشر، نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای همه مردم جهان می‌تواند راهگشای خوبی باشد.

ایازی (۱۳۸۷)؛ در مقاله‌ای با عنوان تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهر



نشینی با تأکید بر متون دینی، ضمن تعریف شهر اسلامی، ویژگی‌های مطلوب آن را از منظر متون اسلامی برشمرده و با بیان خصوصیات اجتماعی شهروندان، به آسیب‌شناسی آن پرداخته است.

پژوهشی که با عنوان «جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروندی» به وسیلهٔ عسکریان (۱۳۸۵) انجام گرفته، نشان می‌دهد که در برنامهٔ درسی مدارس ایران، تسهیلات لازم برای برقراری رابطهٔ مطلوب اقوام حاشیه‌ای کشور با سایر اقوام مرکزی، بسیار ضعیف بوده، شاخص احساس همگرایی ملی در برنامهٔ درسی، پایین‌تر از حد انتظار (حدود ۰/۴۶) برآورد شده است. در نتیجه، پایین بودن احساس همگرایی ملی، پرورش دانش‌آموزان در سایر ابعاد شهروندی (سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و...) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیشنهاد اصلی پژوهش یاد شده این است که تصمیم‌گیری‌های آموزشی در امر برنامه‌ریزی درسی به منظور تربیت شهروند مطلوب جامعه، باید با مشارکت نمایندگان اقوام اتخاذ شود.

در پژوهشی دیگری، ولی‌پور (۱۳۸۶) میزان دانش و مهارت شهروندی را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که میانگین دانش و مهارت شهروندی دانشجویان، پایین‌تر از حد متوسط است. از سوی دیگر، نظرات اساتید در این پژوهش، بیانگر آن است که آموزش عالی در پرورش ابعاد تربیت شهروندی چندان موفق نبوده است.

مهرمحمدی (۱۳۹۱) در پژوهشی اذعان می‌دارد که تربیت شهروند دمکراتیک، از منظر دینی امری مطلوب و خواستنی است. در توضیح این فرض آمده است که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بر پایهٔ الهیات سیاسی خود، با تأکید بر این مفهوم ترکیبی، به عنوان یگانه نام معتبر برای نظام در شرف تأسیس بر پایهٔ اسلام، در واقع مردم‌سالاری دینی یا به بیان دقیق‌تر «دمکراسی اسلامی» یا «اسلام دمکراتیک» را بنیان گذاشت. ایشان بدین‌گونه اسلام استبدادی را به لحاظ مفهومی به رسمیت شناخته، خواهان جلوگیری از رواج آن قرائت از اسلام شده است. همچنین تربیت شهروند دمکراتیک، ضروری عصر جدید دانسته شده که از این منظر، پدیده‌ای جهانی است.

در پژوهشی دیگر (عیوضی و همکاران، ۱۳۸۷)، رئوس محتوای برنامهٔ درسی تربیت شهروند بومی در عصر جهانی‌شدن، از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهر تهران مورد



بررسی قرار گرفته که یافته‌های آن عبارتند از:

۱. از دید اعضای هیئت علمی، عمده‌ترین مشخصه‌های عصر جهانی شدن عبارتند از: تخریب هویت ملی شهروند بومی، به مخاطره افتادن هویت ملی، ارزش‌های دینی، شیوع آموزش‌های غیر بومی، تهدید هنجارها و باورهای بومی، فقدان نظام ثابت اقتصادی، استیلای هویت اجتماعی بین‌المللی و... که در برنامه درسی آموزش عالی به گونه‌ای اساسی به آنها پرداخته نشده است.

۲. از دید اعضای هیئت علمی، عمده‌ترین رئوس محتوای مورد نیاز در برنامه درسی تربیت شهروند بومی در عصر جهانی شدن، عبارتند از: تقویت فرهنگ بومی، تلفیق محتوای برنامه درسی با نیازهای اجتماعی-اقتصادی، آشناسازی یادگیرندگان با خط‌مشی‌های اقتصادی به صورت عملی، برنامه‌های درسی خدمات اجتماعی، رشد ادراک یادگیرندگان از بالندگی فرهنگ بومی، درک سوابق فرهنگی و سیاسی جامعه خود و ... که این مجموعه می‌تواند به فراخور موضوع درسی رشته‌های گوناگون، به صورت مجزا یا به گونه ترکیبی، تلفیقی و میان‌رشته‌ای یا چند رشته‌ای برای فراگیرندگان تدارک دیده شده، در محتوای برنامه درسی آن‌ها گنجانده شود. (همان)

قلتاش و همکارانش (۱۳۹۱) در بررسی تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا که یکی از رویکردهای تربیت شهروندی است، به این نتیجه دست یافتند که به تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا، در کتب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، به میزان ۲۰/۰۴ درصد در پایه اول راهنمایی، ۲۲ درصد در پایه دوم راهنمایی و ۲۰/۱۴ درصد در پایه سوم راهنمایی، توجه شده است که نشان از عدم توجه کافی و شایسته به مؤلفه‌های تربیت شهروند پیشرفت‌گرا در کتب درسی مذکور دارد.

در پژوهش آشتیانی و همکارانش (۱۳۸۵) که با هدف ارزیابی و اولویت‌بندی مهارت‌های شهروندی مورد نیاز برای تدریس آن‌ها در مقطع دبستان انجام پذیرفت، به ترتیب، متغیرهای مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، انجمن‌های محلی، هنجارهای اجتماعی و مؤلفه‌های اقتصادی، بیشترین حد امتیاز را به خود اختصاص دادند که پیشنهاد شده تا طراحی برنامه درسی بیش از همه بر این اولویت‌ها متمرکز شود.

با توجه به تحقیقات پیش‌گفته، که مؤید تلاش محققان در زمینه تربیت شهروندی است، این خلأ آشکار می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته به حیطه تربیت شهروندی

بر اساس آموزه‌های اسلامی توجه نداشته و فقط در برخی از تحقیقات، بررسی‌هایی به صورت اجمالی بر روی مؤلفه‌های تربیت شهروندی انجام شده است. از این رو، تحقیق حاضر در پی معرفی شماری از اصول تربیت بر اساس مبانی نظام ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است تا با الهام گرفتن از یافته‌های آن، در فرایند تربیت شهروندی با توجه به آموزه‌های اسلامی، بهره‌کافی گرفته شود و راهنمای دست‌اندرکاران آموزشی در فرایند و جریان تربیت شهروندی متناسب با ویژگی‌های اسلامی باشد.

### سؤالات پژوهش:

- مبانی نظام ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام چه مواردی است؟
- اصول تربیت به دست آمده از مبانی نظام ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام چه اصولی است؟

مبانی نظام ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام و اصول تربیت به دست آمده از آن مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام را می‌توان با توجه به مفهوم جامعه مدنی اسلامی، حول چند محور اساسی به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار داد. لذا مبانی و مؤلفه‌های ارزشی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، صرفاً در راستای مفهوم تربیت شهروندی‌اند، هرچند برخی از این محورها می‌توانند در برگیرنده سایر ابعاد تعلیم و تربیت اسلامی نیز باشند.

### مبنای اول: توحیدمحوری

خدامحوری به عنوان یک مبنای ارزشی در فلسفه تربیتی اسلام، عبارت است از: «انجام یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی». جریان این امر در عمل تربیتی، ناظر بر نحوه عملکرد مترقی بر اساس آن ملاکهاست: «قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَ أَمْرًا نُسَلِّمُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ بگو: در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است که دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم (انعام: ۷۱). در نظام اسلامی، خدا-خالق، مالک و مدبّر هستی - محور همه امور است و قوانین و مقررات از وحی الهی برگرفته می‌شود. در چنین نظامی، بر خلاف نظام‌های انسان‌محور؛ اولاً، مردم به طور طبیعی گرد پرچم توحید، منسجم و متحد و یکپارچه می‌شوند و فرمان خدا را از هر





چیز دیگر برتر می‌دانند: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را یاد کنید که... میان دل‌های شما الفت انداخت»، «و کلمه خداست که برتر است». ثانیاً، از آنجا که قوانین و مقررات از شرع مقدس برگرفته شده، از قداست برخوردار است و عمل به آن افزون بر آنکه وظیفه قانونی و حقوقی است، صبغه عبادی به خود می‌گیرد، از این رو، رعایت قانون علاوه بر پاداش حقوقی و قانونی (موجود در سایر نظام‌ها)، از ثواب و پاداش الهی برخوردار است و نقض قانون و مقررات نیز علاوه بر جریمه و کیفر حقوقی و قانونی، گناه و عقاب اخروی دارد. بنابراین، انگیزه مردم برای انجام وظایف فردی، اجتماعی، سیاسی و ...، مضاعف است. ثالثاً، حرکت در چارچوب وحی، از عواملی است که دولت دینی را از هر گونه استبداد فردی دور می‌کند (صیعی منفرد، ۱۳۸۱: ۱۰). از این رو، در مکتب اسلام همه فعالیت‌های بشری زمانی به نتیجه در خور می‌رسد که در محور توحیدی قرار گیرند و هیچ حرکتی صورت نمی‌پذیرد مگر اینکه زیر پرچم توحیدی قرار می‌گیرد.

اصل خدامحوری در تربیت شهروندی اسلامی: با نظر به مبانی تربیت شهروندی، یکی از عام‌ترین اصول در تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، اصل خدامحوری است. این اصل، جوهره اساسی رفتار فرد دیندار را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین اصل ایجاد تمایز تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام با دیگر رویکردهای تربیتی به خصوص لیبرالیسم به شمار می‌آید. از این رو، انتخاب برنامه‌های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه رضایت خداوندی در مرتبه روز به روز فزونی یابد، تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. انتقال روحیه تعهد دینی در مرتبه برای تطبیق اعمال با معیار و ملاک الهی، بارزترین ثمره این اصل است. در انسان‌شناسی اسلامی، هدف از آفرینش انسان، رسیدن به منزلت و جایگاه بلند قرب الهی و خداگونه شدن انسان‌هاست. از این رو، فراگیر با یاد خدا می‌تواند مسیر درست را برگزیند یا اگر به بیراهه رفته، به راه اصلی که به هدف آفرینش ختم می‌شود بازگردد. این خدامحوری، به رفتارها و انگیزه‌های او ارزش الهی و ماندگار می‌بخشد (مائده: ۲؛ فتح: ۲۹؛ حشر: ۸). بنابراین، مسئله خدامحوری یکی از اصول ارزشی و زیربنایی جامعه اسلامی محسوب می‌شود که باید در تبیین نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی، آن را به عنوان یک اصل اساسی و مهم مورد توجه قرار داد و در وضع و اجرای مقررات و قضاوت درباره عملکردها،



برنامه‌ریزی‌ها، سیاستگذاری‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی شهروندان جامعه اسلامی به آن توجه داشت.

## مبنای دوم: عدالت‌محوری

عدالت از مهم‌ترین، برجسته‌ترین و والاترین پایه‌ها و استوانه‌های ارزشی و انسانی اسلام به شمار می‌رود. با سیری کوتاه در آیات و روایات، به وضوح درمی‌یابیم که فضای اسلام، فضای عدالت است. آیات و روایات فراوانی مردم را به عدالت و پاسداری از آن توصیه و امر فرموده، از ظلم و ستم و خیانت باز می‌دارند. به تصریح قرآن کریم، «عدالت‌خواهی» اساسی‌ترین آموزه پیامبران الهی است. اندیشه عدالت‌خواهی در جامعه اسلامی و فراوانی گفتگو از عدل و عدالت، ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد. در فرهنگ قرآن، پس از توحید، اصلی فراگیرتر از عدالت وجود ندارد؛ اصلی که هم آفرینش الهی بر اساس آن استقرار یافته، هم ربوبیت او بر مبنای آن اداره می‌شود؛ هم بود و نبود عالم تکوین، آراسته وجود عدالت است و هم باید و نباید نظام تشریح، در بند تحقق آن است. عدل، ملاک ربوبیت حق تعالی در گستره هستی، معیار مدیریت و ولایت ولی خدا در جوامع انسانی بوده، «تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی، ملاک مشروعیت حکومت دینی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳). عنصر عدالت از چنان اهمیت و والایی در اسلام برخوردار است که به عنوان مهم‌ترین هدف بعثت انبیا از آن یاد شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات به خلق فرستادیم و برایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

عدالت، رعایت حق است. اجرای عدالت به معنای گسترده آن و در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و قضایی، هیچ گاه تنها برای مسلمانان اختصاص نداشته است. هر جا اسلام حاکم شود، باید این ستون و رکن مهم را بر فراز و به گونه‌ای مشی کند که همگان، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در پناه اسلام به آسانی بتوانند از این خوان گسترده بهره برند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین الله شهدا بالقسط و لا یجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون» (مانده: ۸)؛ ای ایمان‌آوردندگان! برای خدا قیام کنید و از روی عدالت شهادت بدهید، دشمنی که با دیگران دارید نباید شما را وادارد که با آنان به عدالت رفتار نکنید. با آنان به عدالت



رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک تر است و از خدا بپرهیزید و متقی باشید که خدا به آنچه می کنید، آگاه است.

در قرآن مجید، عامل پیدایش اختلاف بین امت‌ها، بی‌عدالتی و تجاوزگری معرفی شده است از این رو به پیامبر اکرم (ص) دستور داده شده که اعلام کند: «وامرت لاعدل بینکم الله ربنا و ربکم، لنا اعمالنا و لکم اعمالکم، لاجحه بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر» (شورا: ۱۵)؛ مأمورم در میان شما به عدالت رفتار کنم. خداوند پروردگار ما و شماست. نتیجه اعمال ما از آن ما و نتیجه کارهای شما از آن شماست. دشمنی شخصی در میان ما نیست و خداوند ما و شما را در یک جا گرد می‌آورد و بازگشت همه به سوی اوست.

به طور کلی، از آنچه بیان شد می‌توان چنین استنباط کرد که: مهم‌ترین رکن عدالت، «حق» است. تحقق یا عدم تحقق عدالت منوط به تشخیص حق و ذی‌حق و رسیدن حق به ذی‌حق است. هر موجودی دارای جایگاه و جودی ویژه با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مناسب است که از آن قابلیت‌ها به «حق» تعبیر می‌شود. بنابر این، مشروعیت حق، تابع قراردادهای اجتماعی و قوانین وضعی نیست و تنها عامل‌شناسایی و تشخیص این حقوق، «عقل معصوم» از خطا و «وحی معصوم» از لغزش است. همزمان با تأکید بر هر حقی، تصدیق بر «تعهد»ی در برابر آن نیز می‌باشد - رابطه متقابل حق و تکلیف - چه اینکه میان «عدالت و برابری» نیز همین رابطه برقرار است. برابری می‌آید تا عدالت برقرار کند و اجرای عدالت، برای دستیابی به برابری است. بر اساس این نگاه گسترده و جامع، اصول و مبانی عدالت اجتماعی را باید در تشریح عادلانه، تنظیم و مدیریت عادلانه، قضاوت و دادرسی عادلانه، پاداش و کیفر عادلانه و در نهایت، زندگی متعادل در بُعد فردی و اجتماعی جستجو کرد. دستیابی به این چشم‌انداز متعالی، نیازمند رعایت عدالت فردی - تقوا - نگاه به عدالت به عنوان یک حق و یک تکلیف سیاسی، حقوقی، اقتصادی و... است. اصل توجه به حاکمیت قانون و قانونمداری در فرایند تربیت شهروندی: با التفات به مبانی نظری تربیت شهروندی، به ویژه مبانی سیاسی - اجتماعی، یکی از اصول مهم جامعه مدنی که باید در فرایند تربیت شهروندی نیز به آن توجه ویژه داشت، اصل پذیرش قانون و رعایت آن است؛ به طوری که تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها باید بر اساس قانون طرح و اجرا شود. پدیده دیرپای قانون، پیوسته همراه بشر و یکی از



مسائل اساسی در تاریخ او بوده است. قانون از یک سو انتظام‌بخش روابط مشترک و از سوی دیگر، تأمین‌کننده عدالت است. برای درک ضرورت قانون می‌توان به دو ویژگی انسان توجه کرد: یکی، افزون‌خواهی و دیگری، خویش‌دوستی. این دو هر چند در حد اعتدال، زمینه‌ساز کمالند؛ اما چنانچه حالت افراط به خود گیرند، منشأ طغیان و زمینه‌های بهره‌کشی بی‌رویه از دیگران را فراهم می‌آورند (میرمدرس، ۱۳۸۰: ۱۲). در نتیجه، به لحاظ عقلی آشکار می‌شود که باید ضابطه و قانون جامع، کامل و متناسب با نیاز شهروندان، حاکمیت پیدا کند و از این جهت می‌توان گفت که قانون، خود عامل عدالت است.

اصل رعایت حقوق شهروندی در فرایند تربیت شهروندی: حقوق شهروندی بر اساس یک تقسیم‌بندی که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

۱. حقوق مادی؛ همچون: حق زندگی، حق امنیت، حق رفت و آمد، حق مسکن، حق مصونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات، حق دفاع، حق تابعیت، حق انتخاب شغل، حق تأمین اجتماعی، حق مالکیت شخصی و... ۲. حقوق معنوی؛ همچون: حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق آزادی ایمان، حق آزادی اطلاعات، حق آزادی اجتماعات، حق آزادی سیاسی، حق آزادی آموزش و پرورش، حق برابری و عدم تبعیض، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و... (احمدزاده، ۱۳۸۴: ۱۵). در یک معنای کلی، حقوق شهروندی در اسلام، شامل مجموعه حقوق و وظایف متقابل میان شهروندان و دولت‌مردان در جامعه دینی است. به دیگر سخن؛ حقوق شهروندی از چهار بخش تشکیل شده که عبارتند از:

۱. حقوق شهروندان؛ ۲. وظایف شهروندان؛ ۳. حقوق دولت‌مردان؛ ۴. وظایف دولت‌مردان؛

که در فرهنگ اسلامی از آن به حقوق و وظایف متقابل والی و رعیت - به معنای مثبت آن - یاد شده است. با التفات به نکات پیش‌گفته، منظور از اصل توجه به حقوق شهروندی در فرایند تربیت شهروندی، این است که اولاً، باید امکان شناخت این حقوق را برای شهروندان فراهم آورد و ثانیاً، باید شرایط و زمینه‌های لازم و مطلوب را برای تحقق این حقوق ایجاد کرد.

### مبنای سوم: آزادی

یکی از مهم‌ترین حقوق فطری و طبیعی انسان از دیدگاه اسلام، آزادی است که خداوند متعال در وجود آدمی سرشته و یکی از رسالت‌های انبیا(ع) قرار داده تا بشر را از اسارت برهاند. امیر مؤمنان علی(ع)؛ سرشتگی آزادی با انسان را به خلقت بشر مرتبط



دانسته و این مفهوم را در خطاب به فرزندشان امام حسن (ع) چنین بیان می‌فرماید: «لا تکتن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»؛ بنده دیگران مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است (نهج البلاغه). آزادی در اسلام، از بهترین مظاهر خیر و سعادت انسانی است و همه عرصه‌های فعالیت بشر را شامل می‌شود. به نظر مطهری، آزادی یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی و به تعبیر دیگر؛ جزء معنویات انسان است که مافوق ارزش‌های بشر برشمرده شده است؛ اما نه ارزش منحصر به فرد و نه آزادی با آن تفسیرها و تعبیرهای ساختگی، بلکه آزادی به معنای واقعی (مطهری، ۱۳۷۳: ۶۵). ایشان از آزادی به عنوان یکی از مقدس‌ترین استعدادهایی که در بشر هست و آدمی به شدت به آن نیازمند است، یاد می‌کند (همو، ۱۳۷۶: ۹۱) و آن را معیار انسانیت به شمار می‌آورد. از این دیدگاه، انسان آن اندازه انسان است که هیچ جبری را تحمل نکند و محکوم و اسیر هیچ قدرتی نباشد، بلکه همه چیز را خودش آزادانه انتخاب کند. (همان: ۲۳۱)

اساساً خمیرمایه کمال انسان و جامعه، چیزی جز اختیار و آزادی نیست و ایده آزادی و اختیار انسان، جزء ماهیت اندیشه دینی است و «از نظر اسلام، مفاهیم دینی همیشه مساوی آزادی (انسان) بوده است (نریمانی، ۱۳۸۹: ۹۰). آزادی چه به مثابه حق تفکر و اختیار، چه به عنوان روشی برای اداره جامعه و مشارکت در تعیین سرنوشت و چه به عنوان ارزشی اخلاقی، مورد تأیید بوده و در متون دینی بر اهمیت آن تأکید فراوان شده است. تنها آزادی به معنای اباحه‌گری مردود است. نکته مهم این است که آزادی به معنای مثبت مذکور، به عرصه‌ای در جامعه اسلامی نیاز دارد که در آن عرصه، شهروندان بتوانند مستقل بیندیشند و عمل کنند؛ استعدادهای خود را شکوفا سازند و اراده آزاد خویش را به کار گیرند و جامعه مدنی چنین عرصه‌ای است. البته در جامعه مدنی دینی هر فرد دارای مسئولیت و فضای متعلق به خود است و آزادی حد و مرز دارد؛ حقوق دیگران و مبنای اسلام که در قانون مشخص و تعریف شده، حد آن است. چنین آزادی‌ای، مبنای اخلاق جامعه است. بنابر این، آزادی، حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت ملی، از مهم‌ترین حقوقی است که شهروندان در مقابل حکومت دارند. برای تحقق و احقاق این حقوق، ایجاد و تقویت جامعه مدنی مجرا و ابزار مناسبی است تا مردم برخی از حقوق فطری، طبیعی، شرعی و قانونی خویش را به دست آورند.

در مقایسه این مفهوم در دو جامعه مدنی اسلامی و جامعه مدنی غرب، اگر چه



مفهوم آزادی از عناصر مشترک میان این دو جامعه محسوب می‌شود، اما مرز آن در جامعه مدنی غرب تنها اصرار به غیر و آزادی دیگران است. از این رو در جامعه مدنی غرب، آزادی‌های مغایر با احکام و قوانین الهی و ارزشی که سبب اضرار به غیر نباشد، مجاز است. در نتیجه، آزادی به معنایی که در جامعه مدنی رواست، منتهی به نفی اصول اساسی دین شده، تبلیغ علیه دین را نیز شامل می‌شود؛ در حالی که آزادی در جامعه مدنی اسلامی علاوه بر محدودیت به اضرار به غیر، محدود به احکام شریعت اسلامی نیز می‌باشد. تفاوت دیگر در این زمینه، آن است که در جامعه مدنی، مرز و محدوده آزادی، به خطر افتادن مصالح مادی شهروندان است. اگر خطری متوجه حیات، سلامتی یا اموال شهروندان شود، قانون از آزادی‌ای که منجر به این خطرها می‌شود، جلوگیری می‌کند. اما بر اساس آموزه‌های فرهنگ اسلامی، از آنجا که بشر به سوی کمال ابدی در حرکت است و قانون باید مسیر را هموار کند و موانع آن را برطرف سازد، دولت اسلامی باید از آزادی‌هایی که به معنویات انسان‌ها و شهروندان ضرر می‌رساند نیز جلوگیری کند؛ زیرا حکومت در جامعه اسلامی فقط حافظ سلامت بدن و زنده ماندن شهروندان و رفاه مادی نیست، بلکه باید حافظ معنویات و ارزش‌های الهی و انسانی شهروندان و جامعه نیز باشد (مصباح، ۱۳۷۹: ۱۸۵). بنابر این، با توجه به تعالیم دین اسلام، آزادی مورد توجه و تأکید قرار گرفته، به شرطی که منتهی به نفی اصول اساسی دین نشود.

### اصل حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در فرایند تربیت شهروندی: نظر

به مبانی تربیت شهروندی اسلامی، مؤلفه آزادی یکی از مهم‌ترین اصول در تربیت شهروندی به شمار می‌آید که این مهم، با آموزه‌ها و مبانی فرهنگ اسلامی نیز قابل جمع و تطبیق است. در حقیقت؛ آزادی به لحاظ استلزام ذاتی، نقطه شروع پیدایش و مرز بقای جامعه مدنی توحیدی است؛ زیرا بنا بر مبانی اعتقادی اسلام، حکمت الهی بر آن است که با حفظ آزادی انسان، هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت و خیر و شر برای مردم تبیین شود و آنان در انتخاب یکی از دو طریق مختار باشند (انسان: ۳). به عبارت دیگر؛ دعوت خداوند از انسانها برای ایمان آوردن، مبتنی بر این پیش فرض است که بشر در انتخاب و لیبیک به این دعوت آزاد است. واقعه رانده شدن آدم (ع) از بهشت، بیانی از اختیار آدمی است. اصل آزادی در تربیت شهروندی، صرفاً محدود و محصور به یک یا چند نوع از انواع آزادی نبوده، بلکه شامل تمامی آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌شود که در تبیین مفهوم



جامعه مدنی از آن سخن به میان آمد. بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که آزادی، از جمله حقوق اولیه و فطری همه افراد است که باید به عنوان یک اصل اساسی در فرایند تربیت شهروندی، در نظام آموزش و پرورش هر کشور مورد توجه قرار گرفته، شرایط لازم برای رشد و توسعه آن فراهم شود.

**اصل لزوم کمک به فراگیران برای رسیدن به استقلال شخصیت:** بر پایه مبانی و آموزه‌های انسان‌شناختی تربیت شهروندی اسلامی، رسیدن به کمال و سعادت جاودانی هر کس، در گرو تلاش‌ها و رفتارهای آزادانه و آگاهانه اوست (نجم: ۳۹). بر این آموزه زیربنایی تا آنجا پافشاری می‌شود که حتی شایستگی رسیدن و دریافت شفاعت در این یا آن جهان نیز به کارهای شایسته ما بسته شده است (انبیا: ۲۸). بر این اساس، آموزگاران و مربیان باید فراگیران را در دستیابی به روحیه خودجوشی و خودکوشی یاری دهند. فراگیران باید به گونه‌ای تربیت شوند که خود را بیابند و در خود احساس استقلال کنند. این احساس باید با احساس مسئولیت و تعهد همراه و تقویت شود تا اینکه فراگیران سربار دیگران نباشند و بکوشند همیشه و همه جا بر خود و توانمندی‌های خود تکیه کرده، اعتماد به نفس داشته باشند و در یک فرایند بلندمدت به استقلال برسند.

**اصل ضرورت احترام به اختیار و آزادی دانش‌آموزان:** در مبانی انسان‌شناختی تربیت شهروندی، شکل‌گیری هر گونه رشد و مهارتی در انسان باید آزادانه و آگاهانه باشد. در فرایند آموزش و پرورش، فراگیران و مربیان باید بکوشند که فرصت‌ها و امکان آزادی عمل برای آنان فراهم شود. آموزش‌ها و القای بایدها و نبایدها نباید تحمیلی و همراه با فشار و زور باشد. اگر در جایی مربی تشخیص دهد که مصالح فراگیر از او می‌طلبد که در رفتار و زندگی او دخالت کند، این دخالت باید غیرمستقیم و همراه با استدلال باشد.

### مبنای چهارم: عقلانیت

شخصیت انسان، از ابعاد مختلفی همچون: جسمانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، عقلانی و ... تشکیل می‌شود. در میان این ابعاد، بُعد عقلانی، برجستگی و نمود خاصی دارد و همچون چراغی فروزان بر تارک وجود آدمی می‌درخشد. این از آن روست که عقل، پایه و اساس انسانیت انسان و فصل ممیز وی از سایر جانوران است؛ هم سرچشمه زلال دریای علوم و معارف بشری است، هم مبدء صدور تمامی کردارها و اعمال نیک انسانی. بر همین اساس، اسلام نیز برای این گوهر نفیس ملکوتی، که دست تدبیرگر خالق یکتا آن را در

صدف جان مخلوقی مکرم به نام انسان به ودیعت نهاده، منزلتی والا و ارزشی ویژه قائل است و دعوت به تعقل و تفکر را یکی از ابعاد نظام ارزشی خود قلمداد می‌کند. دلیل اساسی این دعوت، ویژگی عقلانی انسان است. انسان خلیفه خدا در زمین است و از آنجا که کمال و زندگی سالم و بالنده او به میزان رشد اندیشه‌اش بستگی دارد، تربیت عقلانی این موجود مکرم، یکی از اصول اساسی تعلیمات قرآن کریم است. اسلام، رکن اساسی خود را توحید قرار داده و آدمی را به تفکر در پایه‌های اصلی دین دعوت کرده است. تقلید در اصول دین، باطل و رسیدن به یقین در آنها واجب است. در قرآن کریم، که کامل‌ترین کتاب آسمانی برای تربیت و هدایت بشریت است و هم در سخنان معصومان (ع) که تجسم عینی قرآن و شایسته‌ترین الگوها برای تربیت انسانند، شواهد فراوانی دال بر اهمیت و ارزش عقل و عقلانیت وجود دارد و در آیات بسیاری به منزلت عقل اشاره و انسان‌ها را به عقل ورزی دعوت کرده است. (بقره: ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱؛ مائده: ۵۸، ۱۰۳؛ انفال: ۲۲؛ طور: ۱۴)

عقل در اسلام، پیامبر درونی است که در انتهای آیات زیادی با «افلا یعقلون» و «افلا یتدبرون» انسان را به عقل ورزی فراخوانده است. اصولاً عقل بعد از قرآن و سیره نبوی (ص) و ائمه معصوم (ع)، منبع سوم شناخت احکام اسلام است؛ یعنی اگر عقل انسان به صحت قطعی برخی مسائل و موضوعات که در قرآن یا در سیره معتبر مطرح نشده رسید، می‌توان آن مسائل و موضوعات را به دین نسبت داد. عقل در دیدگاه اسلام، رسول حق و حجت او بر همه بندگان است. بدین سبب امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «العقل رسول الحق» (نریمانی، ۱۳۸۹: ۹۲). عقل در فقه اسلامی، هم می‌تواند اکتشاف‌کننده یک قانون باشد و هم قانونی را تقیید و تحدید کند یا آن را تعمیم دهد و هم می‌تواند در استنباط از سایر منابع و مدارک مددکار خوبی باشد (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۹۰). بنا بر آنچه بیان شد، این نکته آشکار می‌شود که اسلام برای عقل و عقلانیت ارزش بسیاری قائل بوده، از آن به عنوان یک عامل اساسی در رشد، هدایت و تکامل انسان‌ها نام می‌برد. بنابر این، در نظام تربیتی اسلام، تعقل و عقلانیت از جایگاه و ارزش ویژه‌ای برخوردار بوده، می‌توان از آن به عنوان یک مبنای تربیتی نام برد.

**اصل ضرورت افزایش توانایی مهارت‌های تفکر شهروندان در فرایند تربیت شهروندی:** این اصل ناظر به ویژگی اندیشه‌ورزی در انسان است. در بحث از این ویژگی، نوع معینی از تفکر مورد نظر است و آن، تفکر هدایت‌شده است که این معنا، همسنگ





«تعقل» است. هر گاه تفکر و تعقل مترادف یکدیگر به کار روند، مقصود همین تفکر هدایت‌شده است. بنابر این، هر تعقلی، تفکر است؛ اما هر تفکری، تعقل نیست. از این رو، اصل تعقل بیانگر آن است که باید پویایی بی‌وقفه‌ای فکر و اندیشه آدمی را هدایت کند (باقری، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۰۱). برخی از مهم‌ترین مهارت‌های تفکر که باید در فرایند تربیت شهروندی به آنها توجه کرد، عبارتند از:

**الف) مهارت تفکر انتقادی:** پرورش «تفکر انتقادی» به عنوان یکی از لوازم زندگی در جامعه مدنی اسلامی معاصر، به علت هجوم غیر منتظره اندیشه‌های تازه که در پی تکامل ارتباطات گسترش بیشتری یافته‌اند، در تربیت شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

**ب) آموزش مهارت توانایی مدارا و تسامح در برخورد با آرای مختلف:** بر اساس این مهارت، در فرایند تربیت شهروندی باید شهروندان را با مسائلی همچون: احترام گذاردن به آرا و عقاید دیگران، پذیرش تنوع افکار و اندیشه‌های مختلف و تحمل آنها، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، پرهیز از جزمیت‌گرایی، نگاه واقع‌بینانه به دیگران و دوری از خودمحوری، استفاده از روش بحث و گفتگو و مناظره و... آشنا کرد. بنابر این، نظام تعلیم و تربیت باید برنامه‌ها، مواد و روش‌های آموزشی را طوری سازماندهی کند که به پرورش بُعد عقلانی شهروندان توجه خاص داشته، آنان را در مسیر رشد عقلانی یاری کند.

### مبنای پنجم: احترام به کرامت انسان

یکی از نظام‌هایی که می‌تواند روابط انسان‌ها را تنظیم کند و تعالی بخشد، پرورش کرامت در افراد اجتماع و شناساندن کرامت هر انسان به انسان دیگر است. به عبارت دیگر؛ اجتماع انسانی احتیاج به نظامی دارد که با اتکا بر آن، روابط صحیح انسان‌ها حفظ شود و در جهت کمال پیش رود. نمی‌توان در جامعه‌ای که در آن انسان‌ها حقوق یکدیگر را محترم نمی‌شمارند، به بسیاری از اصلاحات و پیشرفت‌ها و بهبودها، امیدوار بود. انسانی که برای خود کرامت قائل است، در حفظ آن تلاش خواهد کرد و دست‌کم برای حفظ کرامت خویش، کرامت دیگران را نیز پاس خواهد داشت؛ در حالی که انسانی که خود را ارزشمند نمی‌داند، می‌تواند منشأ بسیاری از مشکلات برای دیگران باشد. در نظام اجتماعی اسلام، هر کس در جای خود ارزشمند است. خداوند در قرآن، بحث کرامت



آدمی را این گونه بیان می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری‌شان بخشیدیم.

قائل بودن به کرامت آدمی در حفظ سلامت روانی انسان‌ها، حفظ منابع اقتصادی، حقوق سایر ملل و استقلال کشورها نیز مؤثر است. این امور با شناخت دقیق‌تر مفهوم کرامت و توسعه و پاسداری آن، امکان‌پذیر است. با توجه به آموزه‌های قرآن، انسان دارای دو گونه کرامت است: ذاتی و اکتسابی. مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی موجودات دیگر، به لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار است یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و در هر حال، از دارایی و غنایی بیشتر برخوردار است. این نوع کرامت، در واقع حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از آن برخوردارند. از این رو، هیچ کس نمی‌تواند و نباید به خاطر برخورداری از آنها بر موجود دیگری فخر فرورد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند، بلکه باید خداوند را بر آفرینش چنین موجودی با چنین امکاناتی ستود؛ آن گونه که خود فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴). مقصود از کرامت اکتسابی، دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و عمل صالح اختیاری خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت، برخاسته از تلاش و ایثار بوده، معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوند است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتری داد. همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند. در رابطه با دسته اول؛ یعنی کسانی که به کمالات و کرامت‌های خدایی دست می‌یابند، قرآن آیاتی ناظر به این دسته از انسان‌ها دارد، از جمله: «إِنْ أَرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ گرامی‌ترین شما نزد پروردگار با تقواترین شمایند. اما قرآن در رابطه با دسته دوم؛ یعنی کسانی که فاقد این کمالات و کرامت‌هایند، نیز آیاتی دارد؛ از جمله: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف: ۱۷۹)؛ آنها مانند چهارپایان هستند و بلکه گمراه‌تر از آنانند. دستیابی آدمی به کرامت، به اصل انسان بودن بازمی‌گردد و اختصاص به دسته معینی از آدمیان ندارد. از این حیث، آدمیان همه از



یک گوهرند و همه شریفند و هیچ کسی را بر دیگری فضیلتی نیست؛ زیرا همه به گوهر انسانی کریم و مکرمند (باقری، ۱۳۷۹). از آنچه بیان شد چنین استنباط می‌شود که کرامت انسان یکی از مبانی مهم ارزش‌شناختی اسلام دربارهٔ انسان است و باید در تربیت اسلامی و بالاخص تربیت شهروندی مورد توجه عمیق و دقیق واقع شود.

### اصل ضرورت آگاه ساختن دانش‌آموزان به ارزش وجودی خود: خدای متعال

به آدمیان نعمت‌های ویژه‌ای عطا فرموده که با داشتن این نعمت‌ها از ظرفیت‌های چشمگیر و بالایی برخوردار شده‌اند. نعمت‌های بدنی و روانی و نعمت‌های بیرونی و اجتماعی به زندگی انسان برجستگی و به او توانایی چشمگیری داده است که می‌تواند در هر کجای این طبیعت بزرگ تصرف کند. از این رو، مربیان و آموزگاران باید به گونه‌ای احساس کرامت و عزت را در فراگیران برانگیزند که باورش‌شان شود دست یازیدن به کارهای پست به منزلهٔ آلوده کردن گوهر انسانیت است. پیروی کردن از خواسته‌های نفسانی چیزی جز برده ساختن و زبون کردن عقل و روح ملکوتی و الهی در انسان نیست (شمس: ۱۰-۹). از سوی دیگر، فراگیران باید بیاموزند که اندام‌های بدن و توانش‌های روانی آنان و نعمت‌های گوناگون بیرونی، همگی امانت‌های الهی در دست آنان است. لذا باید بهره‌وری و به کارگیری آنها به گونه‌ای باشد که در راستای رضایت و خوشنودی صاحب و مالک حقیقی آنها؛ یعنی خدای متعال باشد. وگرنه هر گونه تصرف در این نعمت‌ها، خیانت در امانت است. مهم‌تر آنکه، خود آموزگاران و مربیان باید به فراگیران به دیدهٔ امانت‌های بزرگ الهی بنگرند و در برابر آنان احساس مسئولیت کنند. فراگیران امانت‌هایی‌اند که باید برترین آموختنی‌ها با بهترین شیوه‌ها به ایشان آموزش داده شود.

### مبنای ششم: تعاون و برادری

یکی از مبانی و مفاهیم ارزشی ممتاز و مختص جامعهٔ اسلامی، اصل تعاون و برادری است. بر اساس آموزه‌های فرهنگ اسلامی، خداوند رابطهٔ برادری و اخوت را در جامعهٔ اسلامی برقرار کرده و فرموده است: «أَنَّما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات: ۱۰). علامه طباطبائی ذیل آیهٔ مبارکه می‌فرماید: «باید دانست که جملهٔ إِنما المؤمنون اخوة، قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثار شرعی و قانونی دارد» (طباطبائی، ۱۳۶۹: ۴۹۹). از سوی دیگر، خداوند سبحان به مسلمانان دستور می‌دهد در «بِرِّ» و نیکوکاری با یکدیگر همکاری کرده، از



همکاری و مساعدت در اعمال گناه‌آلود و تجاوز به حقوق دیگران پرهیز کنند(مائه: ۲). از آنجا که خداوند واژه «بِرّ» را به ایمان به خداوند و پیامبران و روز قیامت و نیز امداد همنوعان و مقاومت در عرصه نبرد و مبارزه و... معرفی کرده است(بقره: ۱۷۷)، می‌توان فهمید که گستره همکاری شهروندان جامعه اسلامی، شامل امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و سایر معضلات جامعه می‌شود.

**اصل تقویت روح همگرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی:** روح همگرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی احساس عملی در به کارگیری توانایی‌ها و کوشش کردن برای تطابق و سازگاری با مردم است که عدم آن قانون‌شکنی و نپذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی است. تثبیت و تقویت روح جمع‌گرایی و دیگرخواهی یکی از عناصر و مؤلفه‌های اساسی در تربیت شهروندی اسلامی است که بر اساس آن، مسئله مهم مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی اجتماعی را در شهروندان هموار و ممکن می‌کند. آموزگاران و مربیان نیز در برخورد‌های فردی و گروهی باید به گونه‌ای رفتار کنند که ویژگی‌های مهم اجتماعی همانند همکاری، همیاری، ایثار، فداکاری، گذشت، از خودگذشتگی و خیرخواهی نسبت به دیگران و عدالت‌خواهی در فراگیران فعال و تقویت شود.

### مبنای هفتم: شور و مشورت (مشارکت‌پذیری)

امروزه مشارکت در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی از ملاک‌های توسعه، پیشرفت و کارآمدی یک نظام به حساب می‌آید. هر اندازه مردم در تصمیم‌سازی‌ها و به عهده گرفتن مسئولیت‌ها سهم بیشتری داشته باشند، توسعه، پیشرفت و کارآمدی بیشتر خواهد بود. خداوند متعال در قرآن کریم، هم پیامبر گرامی را به مشاوره با مسلمانان در امور توصیه فرموده(آل عمران: ۱۵۹)، هم به مسلمانان امر فرموده تا کارهای خود را بر اساس مشورت سامان دهند(شورا: ۳۸) و در کارهای خیر یکدیگر را یاری کنند(مائه: ۲۱). سیره عملی پیامبر اکرم(ص) و ائمه طاهریین(ع) نیز گواه آن است که آن بزرگواران، از نظر کارشناسان در موضوعات و مسائل گوناگون بهره می‌گرفتند.

بر این اساس، جامعه اسلامی یک اجتماع پژوهشی است که در پرتو همفکری با همدیگر تصمیم بهتری را که به مصلحت عامه نزدیک‌تر است، اتخاذ کرده، پس از آن با جدیت و عزم راسخ به اقدام پرداخته و البته در انجام آن به خدای خویش توکل می‌کنند. چنانچه در فلسفه سیاسی و اجتماعی اسلام، مشارکت و مشاوره در

امور مختلف، از اهتمام ویژه‌ای برخوردار است؛ بدین معنا که در جامعه مدنی اسلامی، همکاری و مشارکت جمعی نه تنها به یک حوزه خاص محدود نمی‌شود، بلکه بر اساس بینش اسلامی (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ)، دامنه همکاری مشارکت جمعی بسیار وسیع بوده، حوزه‌های مختلفی همچون: حوزه مشارکت سیاسی، حوزه مشارکت اقتصادی، حوزه مشارکت اجتماعی، حوزه مشارکت فرهنگی و... را در بر می‌گیرد.

**اصل توجه به تقویت مشارکت شهروندان در فعالیت‌های تربیتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در محیط مدرسه و جامعه:** منظور از این اصل این است که در تربیت شهروندی باید فرصت‌های زیادی برای مشارکت افراد یا دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراهم کرد. این اصل، زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که افراد جامعه با مسائلی از قبیل آگاهی از قوانین و مقررات، آگاهی از آرا و اندیشه‌ها، مهارت گفتگو و بحث، عقلانیت و تفکر انتقادی آشنا باشند. تشکیل شوراهای محلی و شورای مدارس، مشارکت دانش‌آموزان در اداره مدرسه و شهروندان در اداره جامعه، توسعه تشکلهای و انجمن‌های خیریه و...، مصادیقی از مفهوم اصل مشارکت در تربیت شهروندی است.

### نتیجه‌گیری

آنچه در مقاله حاضر بیان شد، شمه‌ای از تعالیم گهربار اسلام در باب مبانی ارزشی تربیت شهروندی و اصول برگرفته از آن است. در این مقاله، هفت مبنا در تربیت شهروندی از منظر اسلام معرفی شد که با توجه به آن می‌توان اصولی را در روند تربیت شهروندی به کار برد. مبانی و اصول به دست آمده به قرار ذیل است:

۱. **توحیدمحوری:** خدامحوری به عنوان یک مبنای ارزشی در فلسفه تربیتی اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. در مکتب اسلامی، همه فعالیت‌های بشری زمانی به نتیجه در خور می‌رسد که در محور توحیدی قرار گیرد. با نظر به مبانی تربیت شهروندی، یکی از عام‌ترین اصول در تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، اصل خدامحوری است که باید در تبیین نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی، آن را به عنوان یک اصل اساسی و مهم مورد توجه قرار داد و در وضع و اجرای مقررات و قضاوت درباره عملکردها، برنامه‌ریزی‌ها، سیاستگذاری‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی شهروندان



جامعه اسلامی آن را مورد توجه قرار داد.

## ۲. عدالت محوری: عدالت از مهم‌ترین، برجسته‌ترین و والاترین پایه‌ها و استوانه‌های

ارزشی و انسانی اسلام به شمار می‌رود. با سیری کوتاه در آیات و روایات، به وضوح دریافت می‌شود که فضای اسلام، فضای عدالت است. اجرای عدالت به معنای گسترده آن و در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی، هیچ گاه تنها به مسلمانان اختصاص ندارد و هر جا اسلام حاکم شود، باید این ستون و رکن مهم را به گونه‌ای مشی کرد که همگان، چه مسلمان و چه غیر مسلمان در پناه اسلام، به آسانی بتوانند از این خوان گسترده بهره‌برند. مبتنی بر این مبنا، اصل توجه به حاکمیت قانون و قانونمداری در فرایند تربیت شهروندی مطرح می‌شود؛ به طوری که تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها باید بر اساس قانون طرح و اجرا شود؛ چرا که قانون از یک سو، انتظام‌بخش روابط مشترک و از سوی دیگر، تأمین‌کننده عدالت است. در نتیجه، به لحاظ عقلی آشکار می‌شود که باید ضابطه و قانون جامع، کامل و متناسب با نیاز شهروندان حاکمیت پیدا کند که از این جهت می‌توان گفت که قانون، خود عامل عدالت است. همچنین با توجه به مبنای عدالت، اصل دیگری را هم می‌توان در تربیت شهروندی به کار برد که عبارت است از: اصل رعایت حقوق شهروندی در فرایند تربیت شهروندی. منظور از این اصل، آن است که اولاً، باید امکان شناخت این حقوق را برای شهروندان فراهم آورد و ثانیاً، باید شرایط و زمینه‌های لازم و مطلوب را برای تحقق این حقوق ایجاد کرد.

## ۳. آزادی: آزادی یکی از مهم‌ترین حقوق فطری و طبیعی انسان از دیدگاه اسلام

است که خداوند متعال در وجود آدمی سرشته و یکی از رسالت‌های انبیاء(ع) قرار داده تا بشر را از اسارت برهانند. آزادی در اسلام، از بهترین مظاهر خیر و سعادت انسانی است و همه عرصه‌های فعالیت بشر را شامل می‌شود. آزادی، حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت ملی، از مهم‌ترین حقوقی است که شهروندان در مقابل حکومت دارند. برای تحقق و احقاق این حقوق، ایجاد و تقویت جامعه مدنی، مجرا و ابزار مناسبی است تا مردم، برخی از حقوق فطری، طبیعی، شرعی و قانونی خویش را به دست آورند. از این مبنای تربیتی، ضرورت توجه به اصل حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در فرایند تربیت شهروندی آشکار می‌شود که باید به عنوان یک اصل اساسی در فرایند تربیت شهروندی، در نظام آموزش و پرورش هر کشور مورد توجه قرار گرفته، شرایط لازم





برای رشد و توسعه آن فراهم شود. اصل دیگر، لزوم کمک به فراگیران برای رسیدن به استقلال شخصیت است. بر این اساس، آموزگاران و مربیان باید فراگیران را در دستیابی به روحیه خودجوشی و خودکوشی یاری دهند. فراگیران باید به گونه‌ای تربیت شوند که خود را بیابند و در خود احساس استقلال کنند. این احساس باید با احساس مسئولیت و تعهد همراه و تقویت شود تا اینکه فراگیران سربار دیگران نباشند و بکوشند همیشه و همه جا بر خود و توانمندی‌های خود تکیه کرده، اعتماد به نفس داشته و در یک فرایند بلندمدت به استقلال برسند. همچنین از مبنای آزادی، اصل ضرورت احترام به اختیار و آزادی دانش‌آموزان در فرایند تربیت نیز مطرح می‌شود.

**۴. عقلانیت:** عقل، پایه و اساس انسانیت انسان و فصل ممیز وی از سایر موجودات است؛ هم سرچشمه زلال دریای علوم و معارف بشری است، هم مبدأ صدور تمامی کردارها و اعمال نیک انسانی. بر همین اساس، اسلام نیز برای این گوهر نفیس ملکوتی، که دست تدبیرگر خالق یکتا آن را در صدف جان مخلوقی مکرم به نام انسان، به ودیعت نهاده، منزلتی والا و ارزشی ویژه قایل بوده، دعوت به تعقل و تفکر را یکی از ابعاد نظام ارزشی خود قلمداد فرموده است. دلیل اساسی این دعوت، ویژگی عقلانی انسان است. اسلام برای عقل و عقلانیت ارزش بسیاری قائل بوده و از آن به عنوان یک عامل اساسی در رشد، هدایت و تکامل انسان‌ها نام می‌برد. بنابر این، در نظام تربیتی اسلام، تعقل و عقلانیت از جایگاه و ارزش ویژه‌ای برخوردار بوده و می‌توان از آن به عنوان یک مبنای تربیتی نام برد. بر این اساس، به ضرورت اصل افزایش توانایی مهارت‌های تفکر شهروندان در فرایند تربیت شهروندی پی برد. در چنین حالتی، نظام تعلیم و تربیت باید برنامه‌ها، مواد و روش‌های آموزشی را طوری سازماندهی کند که به پرورش بُعد عقلانی شهروندان توجه خاص داشته، آنان را در مسیر رشد عقلانی یاری کند.

**۵. احترام به کرامت انسان:** اجتماع انسانی احتیاج به نظامی دارد که با اتکا بر آن، روابط صحیح انسان‌ها حفظ شود و در جهت کمال پیش رود. نمی‌توان در جامعه‌ای که در آن، انسانها حقوق یکدیگر را محترم نمی‌شمارند، به بسیاری از اصلاحات و پیشرفت‌ها و بهبودها امیدوار بود. در نظام اجتماعی اسلام، هر کس در جای خود ارزشمند است. قائل بودن به کرامت آدمی، در حفظ سلامت روانی انسان‌ها، حفظ منابع اقتصادی، حقوق سایر ملل و استقلال کشورها نیز مؤثر است. بنابر این، کرامت انسان یکی از مبانی مهم



ارزش‌شناختی اسلام دربارهٔ انسان است که باید در تربیت اسلامی و بالخصوص تربیت شهروندی، مورد توجه عمیق و دقیق واقع شود. اصل ضرورت آگاه ساختن دانش‌آموزان به ارزش وجودی خود، برگرفته از همین مبناست. از این رو، آموزگاران و مربیان باید به فراگیران به دیدهٔ امانت‌های بزرگ الهی بنگرند و در برابر آنان احساس مسئولیت کنند و فراگیران را امانت‌هایی بدانند که باید برترین آموختنی‌ها با بهترین شیوه‌ها به ایشان آموزش داده شود.

**۶. تعاون و برادری:** یکی دیگر از مبانی و مفاهیم ارزشی ممتاز و مختص جامعهٔ اسلامی، اصل تعاون و برادری است. باید مسلمانان را به نیکوکاری با یکدیگر و همکاری ترغیب کرد و از همکاری و مساعدت در اعمال گناه‌آلود و تجاوز به حقوق دیگران پرهیز داد. با توجه به این مبنا در فرایند تربیت شهروندی می‌توان اصل تقویت روح همگرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بیدار ساخت و بر اساس آن، مسئلهٔ مهم مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی اجتماعی را در شهروندان هموار و ممکن نمود. آموزگاران و مربیان نیز در برخوردهای فردی و گروهی باید به گونه‌ای رفتار کنند که ویژگی‌های مهم اجتماعی، همانند همکاری، همیاری، ایثار، فداکاری، گذشت، از خودگذشتگی، خیرخواهی نسبت به دیگران و عدالت‌خواهی در فراگیران فعال و تقویت شود.

**۷. شور و مشورت (مشارکت‌پذیری):** هر اندازه مردم در تصمیم‌سازی‌ها و به عهده گرفتن مسئولیت‌ها سهم بیشتری داشته باشند، توسعه، پیشرفت و کارآمدی بیشتر خواهد بود. در جامعهٔ مدنی اسلامی، همکاری و مشارکت جمعی، نه تنها به یک حوزهٔ خاص محدود نمی‌شود، بلکه بر اساس بینش اسلامی، دامنهٔ همکاری مشارکت جمعی بسیار وسیع بوده، حوزه‌های مختلفی همچون: حوزهٔ مشارکت سیاسی، حوزهٔ مشارکت اقتصادی، حوزهٔ مشارکت اجتماعی، حوزهٔ مشارکت فرهنگی و... را در بر می‌گیرد. بر این اساس، در فرایند تربیت می‌توان اصل توجه به تقویت مشارکت شهروندان در فعالیت‌های تربیتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... را در محیط مدرسه و جامعه مهیا ساخت.

### منابع:

- قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند. (بی‌تا). تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- نهج‌البلاغه. شریف‌رضی. (۱۴۲۱). قم: مؤسسهٔ انصاریان.
- آشتیانی، ملیحه و همکاران. (۱۳۸۵). «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای





- تدریس در دوره دبستان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی: ش ۱۷.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۴۸). شفا. تهران: چاپ خودکار ایران.
- احمدزاده، سید مصطفی. (۱۳۸۴). «حقوق شهروندی». نشریه اندیشه حوزه: سال یازدهم، ش ۶.
- ایازی، سید علینقی. (۱۳۸۷). «تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی». نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، ص ۱۲۲-۱۰۴.
- ایزدی، صمد و علی آقامحمدی. (۱۳۸۶). «آموزش شهروندی، حقوق انسانی و مسئولیت اجتماعی در نظام آموزشی». مقاله‌های برگزیده همایش حقوق شهروندی. [بی‌جا]: [بی‌نا].
- باقری، خسرو. (۱۳۷۹). «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران: سال پنجم، ش ۱.
- باقری، خسرو. (۱۳۷۹). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
- تهرانی‌دوست، فاطمه. (۱۳۸۳). حقوق بشر در نهج‌البلاغه، تهران: منیر.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۳). فرهنگ و تهاجم فرهنگی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- صنیعی منفرد، محمدعلی. (۱۳۸۱). رساله‌ای در تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: قلم.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۹). تفسیر المیزان، ج ۱۶. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین محمد بن محمد. (۱۳۶۰). اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- عسکریان، مصطفی. (۱۳۸۵). «جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروندی». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی: ش ۱۷.
- علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۷۹). «چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام». مجموعه مقالات تربیت اسلامی. تهران: عابد.
- عیوضی، مریم و همکاران. (۱۳۸۷). «تبیین رئوس محتوای برنامه درسی تربیت شهروندی بومی در عصر جهانی شدن از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهر تهران». همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: [بی‌نا].
- فارابی، محمد. (۱۳۷۱). آراء اهل المدینه الفاضله. بیروت: دارالمشرق، چ ششم.
- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۱). تربیت شهروندی. تهران: فاخر.
- قلتاش، عباس و همکاران. (۱۳۹۱). «میزان توجه به رویکرد تربیت شهروند پیشرفت‌گرا در کتب درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی ایران». مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی: ش ۳۳.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۷۹). نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). انسان کامل، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). مجموعه آثار، جلد سوم، تهران: صدرا.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۱). «بررسی سازواری مدّعی نظریه‌های رقیب برنامه درسی برای تربیت



- شهروند دمکراتیک با تکیه بر روایتی شوآبی». مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی: ش ۳۴.
- میرمدرس، موسی. (۱۳۸۰). جستاری در جامعه مدنی و جامعه دینی، قم: بوستان کتاب.
- نریمانی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مؤلفه‌های تربیت شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی با نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- نیکنای، مصطفی و یاسمن مدانلو. (۱۳۸۷). «تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی جهت ارائه یک چارچوب نظری مناسب». دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی: ش ۳.
- ولی‌پور، رقیقه. (۱۳۸۶). «بررسی حیطه‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش عالی از دید اساتید و دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه مازندران)». همایش جهانی شدن و بومی ماندن؛ برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: [بی‌نا].
- Chambliss, J.J. (1996). «**Philosophy of Education, History of**». in J.J. Chambliss(ed). *Philosophy of Education: An Encyclopedia*. New York and London. Garland Publishing Inc.
- Johnson, Laura & Paul Morris (2010). «**Toward a Framework for Critical Citizenship Education**». *Curriculum Journal*, Vol.121. Issue 1. P.7796-.
- Kymileka, W. (1998). **Multicultural Citizenship**. Oxford University Press.
- Lawton, Denis; Jo Cairns & Roy Gardner (2000). **Education for Citizenship**. London and New York. CONIINUM.
- Prior, Warren (2006). «**Civice and Citizenship Education**». In: [www.curriculum.edu.au/cce/](http://www.curriculum.edu.au/cce/)
- Sears, Alan & Y. Vonne (2005). «**Citizenship Education. Canadian Education Association**». In: [www.cea.ca/media/en/citizenship=education](http://www.cea.ca/media/en/citizenship=education).